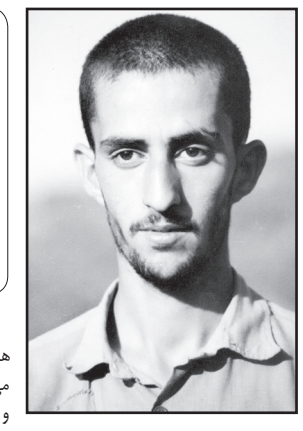

دو خاطره

دانشجوی حقوق و طلبه شهید، مرتضی جلالیان:

تازه داشتم می‌فهمیدم عملیات یعنی چه؟

*حسن شکیب‌زاده

شب عملیات والفجر هشت بود. بچه‌ها تازه آماده می‌شدند. لباس‌ها را پوشیده و تجهیزات‌شان را محکم می‌بستند. عده‌ای با هم شوخی می‌کردند مثل اینکه نمی‌دانستند امشب چه شبی است. یکی شعر می‌خواند" یکی آواز سرداده بود. دیگری دوست همرزمش را در آغوش گرفته و نجوا می‌کرد. خلاصه هر کس مشغول کاری بود. در این اواخر فرماندهان آمدند و عکس‌هایی را که از خط دشمن گرفته بودند به عنوان آخرین توضیح عملیاتی نشان‌مان دادند. سپس نزدیک غروب همه مقداری چیزی خوردند و وضو گرفتند. به محض اذان شدن همه سریع نماز را خوانده و به خط شدیم ولی چه زود هوا تاریک شد. از لابلای نخل‌ها حرکت می‌کردیم. ما چند نفر در میان انبوه عزیزان رزمنده غریب افتاده بودیم و اولین بار هم بود که شب عملیات را می‌دیدم و نمی‌دانستم چه باید بکنم.

بدون هیچ خداحافظی از هم جدا شدیم. هوا کاملا تاریک شده بود که بر لب آب رسیدیم. در آنجا پشت نیزارها با در نیاوردن کوچکترین صدا نشستیم. ساعت کم کم به آغاز عملیات نزدیک می‌شد. وقتی ساعت ۹/۵ شد به آرامی به داخل آب رفتیم و شروع به پا زدن کردیم اما متأسفانه عده‌ای خود را نتوانستند از آن همه گل که تا زانو فرو می‌رفتیم خود را بیرون بکشند و مجبور بودیم آنها را هم بکشیم. به هر حال مرتب نزدیک و نزدیکتر می‌شدیم. هنوز

***صبح آماده شدیم برای جمع‌آوری شهدا که تازه فهمیدم رزمندگان دسته یک، کلا فدای دسته دو شده بودند. آنها بدون اینکه حتی یک نفرشان سالم مانده باشند و اکثرا شهید، باعث شدند که ما بتوانیم به راحتی عمل کنیم**

فکر می‌کردم مانور است. باورم نمی‌شد که انسانی انسانی را بکشد. وسط آب قطرات آب صورتم را نوازش می‌داد.الله اکبر. باران شروع به باریدن گرفت. چه نعمت بزرگی.

نزدیک نیزارهای آن طرف رسیدیم که تیراندازی‌ها تک تک شروع شد و لحظه به لحظه افزایش می‌یافت. به محض رسیدن به خشکی شروع به سینه خیز رفتن کردیم. عملیات درحال رسمی شدن بود. از چند ردیف سیم خاردار گذشته به سوی بالا سینه‌خیز حرکت کردیم. با سرعت زیادی سینه خیز می‌رفتیم. آتش دشمن خیلی تند و سنگین شده بود. صدای عربی بعثی‌ها را می‌شنیدیم و صدای‌الله اکبر بچه‌های خودمان را هم همین طور.

به سیم خاردارها که رسیدیم کمی صبر کردیم و بعد حرکت کردیم و بالاخره به دیوار سیل بند رسیدیم. آخرین نفر من بودم. تقریبا اول‌های ستون بودم و پشت سری‌های من در لای سیم خاردارها گیر کرده بودند. وقتی داخل خط عراق شدیم شروع به پاکسازی کردیم و سنگرها را یکی پس از دیگری با نارنجک به هوا می‌فرستادیم. بچه‌ها عده‌ای زخمی شده بودند و جلوی سه سنگر نزدیکی ما سه تا از عزیزان خوابیده بودند و آرام با فدا کردن جان خود به لقای یاررفته بودند. پس از خاموش شدن خط، چهارمین سنگر را که وارسی می‌کردیم تازه داشتم می‌فهمیدم که عملیات یعنی چه؟ جلوتر که رفتم حسن آقا را دیدم در زیر دیوار آرام خوابیده بود و همین‌طور برادر جعفری و نوری و بهرامی که هر یک با انهدام سنگری محوطه را برای دورخیز کردن ما باز و

***حسین گنجی دومین شهید خانواده واقعا مظلومانه خواب بود و عده‌ای دیگر، چون رجبلو داخل حلقه‌های سیم خاردار، راحت خوابیده بودند اما یکی‌شان قسمتی از پای چپ و دیگری سینه‌اش باگلوله‌های چهار لول ضد هوایی عراقی‌ها به آسمان رفته بود. حسین گنجی جعبه عینکش هنوز در بغلش بود...**

صاف کرده بودند. حسین صباغ زخمی بود ولی مدام می‌گفت "چیزی نیست شما ادامه بدهید". مصطفی هم با صورت خونین می‌خندید و از من احوال پرسی می‌کرد.

شب را با حمید مقدم، سنگری ساخته و گذراندیم. صبح آماده شدیم برای جمع‌آوری شهدا که تازه فهمیدم رزمندگان دسته یک، کلا فدای دسته دو شده بودند. آنها بدون اینکه حتا یک نفرشان سالم مانده باشند و اکثرا شهید، باعث شدند که ما بتوانیم به راحتی عمل کنیم. وقتی برای آوردن شهدا به طرف سیم خاردارها رفتیم چهره‌هایی مظلوم که واقعا مظلومانه در لابه‌لای نیزارها و سیم خاردارها جان داده بودند، قلب انسان را از جا می‌کند. آری حسین گنجی دومین شهید خانواده واقعا مظلومانه خواب بود و عده‌ای دیگر، چون رجبلو داخل حلقه‌های سیم خاردار، راحت خوابیده بودند اما یکی‌شان قسمتی از پای چپ و دیگری سینه‌اش باگلوله‌های چهار لول ضد هوایی عراقی‌ها به آسمان رفته بود. حسین گنجی جعبه عینکش هنوز در بغلش بود...

برادر غفاری در نمایشی که چند ماه قبل برای رزمندگان بازی کرده بود باقیافه‌های خود، مرده‌های عراقی را به اشکال گوناگون و زشت و وحشتزا در می‌آورد و شهدای ما را بسیار زیبا می‌نمایاند که من باور نکردم و فکر می‌کردم که اینها توجیهاتی است که بچه‌ها در می‌آورند، ولی صبح روز بعد به یاد او افتادم چرا که فهمیدم واقعاهمان‌طور بوده که او نمایش داد. زیرا تمام شهدای ما واقعا راحت و بسیار زیبا خوابیده بودند درحالی که عراقی‌ها با وحشت تمام و

***خداوندا! تو را سپاس می‌گویم که به من فطرتی پاک عنایت کردی تا تابع حق باشم و غیر تو را نپرستم وهمان‌طور که بر ما تکلیف قرار دادی، زیر بار ظلم نرویم و هرگز ظلم نکنیم و در جنگی که شروع کننده‌اش نبودیم، تنها به خاطر دفاع از اسلام، ننگ و ذلّت تسلیم شدن در مقابل ظلم و کفر را نپذیریم**

قیافه‌های بسیار زشت هر کدام به صورتی دست و پا گره خورده و اکثرا به روی سینه (دمر) افتاده بودند که این برایم بسیار بسیار تعجب آور بود و خاطره‌ای شد به یادماندنی. روح تمامی شهدای اسلام عزیز، مخصوصا شهدای عملیات والفجر ۸ شاد باد. والسلام.

چرا به جبهه نمی‌روی؟

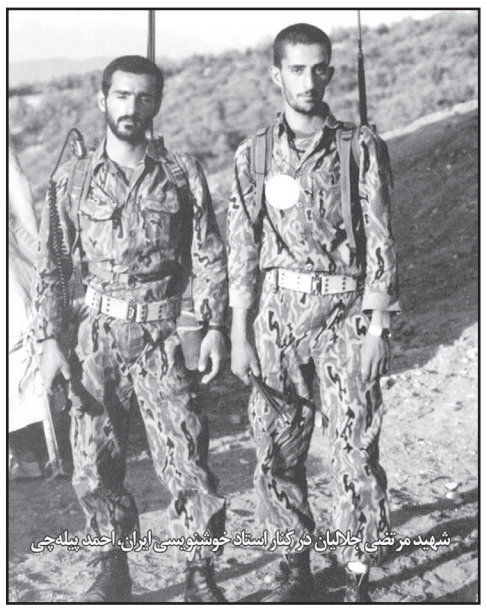

احمد پیله‌چی از خوشنویسان بنام ایران و همرزم شهید جلالیان می‌گوید: زمانی که امام خمینی، جبهه رفتن را تکلیف کرده بودند، شهید مرتضی جلالیان پیش من آمد و گفت که می‌خواهد به جبهه برود، ولی من گفتم الآن خبری از عملیات نیست، بنابراین ضرورتی ندارد که بروی، حال که فرصت است برو درسهای دانشگاهت را بخوان و هر وقت که عملیات شد با هم می‌رویم، ایشان هم حرف مرا قبول کرد و رفت. شب که به منزل رفته بود، مادر ایشان پیام امام را شنیده بود و به مرتضی گفته بود که چرا به جبهه نمی‌روی، مگر نمی‌شنوی که امام چه می‌گوید؟ مرتضی که مادرش را خیلی دوست داشت و از او حرف شنوی داشت، فردا صبح آمد پیش من و گفت من می‌خواهم به جبهه بروم و دیگر برایم اهمیت ندارد که عملیات انجام می‌گیرد یا نمی‌گیرد.

ایشان عازم جبهه شد و اتفاقا فرماندهان منطقه تصمیم گرفته بودند که عملیاتی را در ارتفاعات شیخ محمد انجام دهند و چون عملیات در ارتفاعات انجام می‌شد نمی‌توانستند از تانک و نیروهای هوابرد استفاده کنند و مجبور بودند از نیروهای زبده و برای جنگی تن به تن استفاده کنند. در آن حمله نیروهای ما ارتفاعات شیخ محمد را فتح کرده، ولی دوباره نیروهای عراق پاتک کرده و در جنگ تن به تن، مرتضی جلالیان بر اثر اصابت گلوله به درجه‌ی رفیع شهادت رسیده بود و بعد از ۴۰ و ۵۰ روز که تپه‌های شیخ محمد توسط نیروهای خودی فتح شد، جنازه ایشان را آوردند.

*کلید امور به دست خداست!

شهید، مرتضی جلالیان در بخشی از وصیت نامه‌اش نوشته است: خداوندا! تو را سپاس می‌گویم که به من فطرتی پاک عنایت کردی تا تابع حق باشم و غیر تو را نپرستم وهمان‌طور که بر ما تکلیف قرار دادی، زیر بار ظلم نرویم و هرگز ظلم نکنیم و در جنگی که شروع کننده‌اش نبودیم، تنها به خاطر دفاع از اسلام، ننگ و ذلّت تسلیم شدن در مقابل ظلم و کفر را نپذیریم؛ اما باید این را هم بدانید که کلید امور به دست خداست و ما راضی به رضای الهی هستیم و آنچه را می‌خواهیم که خدا برایمان بخواهد.

**مرتضی جلالیان، هفتم شهریور ماه سال ۱۳۴۳ در شهر قزوین به دنیا آمد. پدرش حسن، کارمند بود و مادرش رقیه‌بیگم نام داشت. طلبه و دانشجوی دوره کارشناسی در رشته حقوق بود که ازسوی بسیج در جبهه حضور یافت. سی و یکم فروردین ماه سال ۱۳۶۷ هم در شیخ‌محمد عراق بر اثر اصابت ترکش به سر، شهید شد.

مادرانه

صغری جلیل زاده، مادر شهید حبیب یزدی:

مواظب مادرم باشید!

حبیب‌الله جبهه بود که من برای زیارت آقا امام رضا(ع) به مشهد رفتم. وقتی من در مشهد بودم او به مرخصی می‌آید و می‌بیند من نیستم. خلاصه از طرق مختلف شماره تلفن مسافرخانه‌ای که در آن ساکن بودیم را پیدا کرده و به من زنگ زد.

ما آخرین حرف هایمان را تلفنی با هم در میان گذاشتیم. ابتدا ناراحت شدم از اینکه پسرم آمده مرخصی و من در قزوین نیستم، اما توی گوشی تلفن، آن حرف‌هایی که به صورت حضوری رویمان نمی‌شد بگوییم، به هم گفتیم.

پسرم حبیب‌الله حال خاصی داشت، من هم خیلی نگران بودم و او در تماس تلفنی با من این موضوع را به خوبی حس کرده بود، لذا قبل از اعزامش رفته بود نزد همسایه و حسابی مرا سفارش کرده بود که مواظب من باشند.

بعد از شهادتش از ناراحتی زیاد ۲ هفته سر قبرش نرفتم، بعد از این مدت حبیب‌الله به خوابم آمد و گله کرد و پس از آن هر هفته، رفتن به مزار پسرم را ترک نمی‌کنم.

***حبیب یزدی، چهاردهم آذر ۱۳۴۳ در شهر قزوین به دنیا آمد. به عنوان سرباز ارتش در جبهه حضور یافت. بیستم فروردین ۱۳۶۵ در سومار بر اثر اصابت گلوله به سر، شهید شد.**

***حسن شکیب‌زاده**

ایستاده در طوفان

جانباز سید کمال موسی کاظمی:

خدا، توبه‌اش را قبول کرد!

دورانی که در منطقه میمک بودیم، من معاون گروهان و در پایگاه مستقر بودیم، روزی یکی از سربازان به نزد من آمد و گفت: جناب سروان من می‌توانم از گناهانم توبه کنم؟

گفتم: بله که می‌توانی، میدان و راه کاملا باز است.

گفت: آخه من خیلی گناه کرده ام، البته همه‌اش هم بخاطر این بوده است که خانواده‌ای فقیر هستیم و نیاز داشتیم. برای مثال یک بار طلاهای یک عروس و داماد را در شب عروسی شان دزدیدم.

به او گفتم: اشکال ندارد، خدا بزرگ‌تر از این حرف هاست، توبه کن، نمازت را بخوان و مطمئن باش که خدا قبول کرده و تو را خواهد بخشید.

او از آن روز به بعد توبه کرد و اهل نماز و خدا شد. یک روز باران شدیدی می‌بارید و توی منطقه سیل راه افتاد، از طرفی هم محلی که ما مستقر بودیم در تیررس دشمن بود و بخاطر راهی شدن سیلاب، سربازهایمان که در سنگرهای مختلف بودند، میانشان فاصله افتاد و امکان کمک به یکدیگر را نداشتیم، به طوری که حتی غذا را که کنسرو بود به سنگ بسته و به طرف سنگرها پرتاب می‌کردیم تا بچه‌ها از گرسنگی تلف نشوند.

وضع منطقه طوری بود که ۳ روز تمام امکان عوض کردن سربازها در محل‌های نگهبانی شان هم وجود نداشت.

در همین وضعیت آن سرباز که توبه کرده بود به نزد من آمد و گفت: جناب سروان شما خاطرتان آسوده باشد، من خط را نگهداری می‌کنم و انصافا هم طی این ۳ روز بدون اینکه چشم روی چشم بگذارد، مرتب در خط حضور داشته و اوضاع را کنترل کرد.

روز آخری بود که اوضاع آرام شده بود و امکان تعویض نگهبانان فراهم شده بود که با انفجار یک نارنجک که توسط دشمن در منطقه رها شده بود، یک ترکش به اندازه یک عدس به قلب او اصابت کرده و به زمین افتاد.

وقتی بالای سرش رسیدم، فکر کردم موج گرفتگی است، چون تمام بدنش سالم بود، اما کمی که دقت کردم، دیدم سینه‌اش فقط به اندازه یک عدس سوراخ شده است.

او آنقدر آرام و راحت خوابیده بود که ما بارها گفتیم:ای کاش ما هم مثل او شهید می‌شدیم.

***حسن شکیب‌زاده**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۹۱۹۰ کلاسه ۱۴۰۲-۵۹۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای روح اله لطفی به شناسنامه شماره ۶۵۹ کدملی ۰۹۰۱۱۷۸۷۸۰ صادره فرزند محمد در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۴۲۵.۹۱ متر مربع پلاک ثبتی ۱۸۲۱ فرعی از ۶۱ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۳ حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی احدی از ورثه جانی رسمی بیگم ضیائی فرگ (تاجور ضیائی)محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شناسه ارشاد: ۶۱۰
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۲/۰۷/۲۴ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۲/۰۸/۰۹
احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۹۰۵۲ کلاسه ۱۴۰۲ - ۴۹۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی ابراهیم کربلائی پور به شناسنامه شماره ۲ کدملی ۰۹۰۱۶۴۹۰۷۴ صادره کاشمر فرزند علی اصغر در شش دانگ یکباب باغ محصور به مساحت ۳۵۲۷.۳۱ متر مربع پلاک ثبتی ۱۱۸ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی حسین باقری کسرینه محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
شناسه ارشاد: ۵۹۷
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۲/۰۷/۲۴ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۲/۰۸/۰۹
احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۹۱۹۱ کلاسه ۱۴۰۲ - ۵۹۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی بتول زارع پور به شناسنامه شماره ۱۰ کدملی ۰۹۰۲۰۹۰۱۳۵ صادره فرزند محمد در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۲۸.۹۲ متر مربع پلاک ثبتی ۱۸۲۱ فرعی از ۶۱ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۳ حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی احدی از ورثه جانی بیگم ضیائی فرگ (تاجور ضیائی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شناسه ارشاد: ۶۱۱
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۲/۰۷/۲۴ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۲/۰۸/۰۹
احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۹۰۳۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی محمد زمان صمدی فرگی به شناسنامه شماره ۳۸ کدملی ۰۹۰۲۱۹۸۴۵۹ صادره فرزند حسین در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۳۱۱۵ متر مربع پلاک ثبتی ۱۱۶ اصلی واقع در بخش ۳ حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی مالکیت مشاعی متقاضی و حسن و معصومه خادمی ورثه محمد خادمی(تمامی مالکیت نامبردگان در پلاک مربوطه) محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شناسه ارشاد: ۵۹۹
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۲/۰۷/۲۴ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۲/۰۸/۰۹
احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۹۱۷۴ - کلاسه ۹۳۸-۱۴۰۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیکاظم اکبری فروتقه به شناسنامه شماره ۳۴ کدملی ۰۹۰۲۲۵۷۱۶۱ صادره فرزند عزیزاله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۴۲.۲۲ متر مربع پلاک ۱۵ فرعی از ۹۵ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۳ حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی آقای احمد افراشته محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
شناسه ارشاد: ۶۰۲
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۲/۰۷/۲۴ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۲/۰۸/۰۹
احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۹۰۷۷- کلاسه ۱۴۰۲ - ۴۲۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای امیررضا معینی توکلی به شناسنامه شماره ۰۸۹۰۶۲۴۴۴۵ کدملی ۰۸۹۰۶۲۴۴۴۵ صادره فرزند مهدی در ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۸۷.۳۲ متر ،مربع پلاک ثبتی ۱۰۶۰ فرعی از ۵۸ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۳ حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی آقایغلامرضا کیومرث محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شناسه ارشاد: ۶۰۴
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۲/۰۷/۲۴ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۲/۰۸/۰۹
احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

خوانندگان عزیز می‌توانند برای ارائه نظرات،پیشنهادات و انتقادات خود از طریق شماره تلفن ۷۷۶۴۴۴۰۹ با روابط عمومی روزنامه جمهوری اسلامی تماس حاصل نمایند

آگهی مفقودی
برگ سبز و کارت خودرو سواری سایتا مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید به شماره انتظامی ۱۴-۲۲۱ب۳۷ و شماره موتور M15/9688243 شماره شاسی NAS851100N5730981 بنام لیلا رضائی زاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. اهواز

آگهی مفقودی
برگ سبز سواری پراید مدل ۱۳۷۹ به شماره انتظامی ۷۵۲ ل ۴۹ - ایران- ۴۳ و شماره موتور ۱۳۱۴۶۲۱۲ M و شماره شاسی S141227962296 7 مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.
(زرین شهر)

آگهی مفقودی
سند کمپانی، کارت ماشین و کارت سوخت سواری تیبا ۲۳۱ مدل ۱۳۹۳ به شماره انتظامی ۸۹۱ و ۹۴ - ایران- ۱۳ و شماره موتور ۸۱۰۸۸۵۸ و شماره شاسی NAS811100E5762435 مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.
(زرین شهر)

برگ سبز سبز خودرو سایتا مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید و شماره پلاک ۹۴-۹۷۷م۶۶ و شماره موتور M15/9837190 و شماره شاسی NAS851100N5768663 بنام قاسم امیدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
میناب

پلاک روی سینی جلو داخل کاپوت (پلاک حلبی) مربوط به خودرو sd206 رنگ سفید مدل ۱۳۹۵ به شماره پلاک ایران ۴۰- ۵۱۹ و ۴۹ و شماره شاسی GJ751618 و شماره موتور 163b023130 6 به نام سعید زهره وند مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری هیوندای اکسل ال -اس مدل ۱۹۹۳ به شماره انتظامی ایران ۵۴-۶۴۹ ق ۲۳ و شماره موتور ۵۷۵۰۱۵ و شماره شاسی ۶۶۲۲۶۷ بنام فرشته یزدانی خوزانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. یزد

برگ سبز خودرو سواری هاچ‌بک پراید ۱۱۱ مدل ۱۳۹۰ به رنگ نوک‌مدادی شماره انتظامی ۲۴-۲۵۹ط۹۳ شماره موتور ۴۱۵۲۸۵۸ شماره شاسی S5430009005719 8 بنام حسن زرگان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. ماهشهر

برگ سبز خودروی سواری سمند LX-EF7 به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۳ شماره پلاک ۵۶۳ س ۴۲ ایران ۸۵ شماره موتور 147H00753 10 شماره شاسی NAACR1HS2EF571408 به نام مصطفی ناروئی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. زاهدان

برگ سبز خودرو پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۹۴ به رنگ نقره‌ای و شماره پلاک ۹۴-۷۸۳ب۸۳ و شماره موتور 124K0742533 و شماره شاسی NAAM01CE5FR226840 بنام پناهی نوشادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
میناب

سند و برگ سبز خودرو پیکان مدل ۱۳۸۳ به رنگ سفید و شماره پلاک ۹۴-۹۱۳ب۱۴ و شماره موتور 112830679 61 و شماره شاسی 83444671 بنام محمد پیشوائی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. میناب

آگهی مفقودی
برگ سبز و کارت ماشین و پلاک عقب خودرو کامیون بنز باری تیپ ۱۹۲۱ مدل ۱۳۶۴ رنگ سبز به شماره انتظامی ۲۲۶ ع ۵۵ - ایران- ۱۳ و شماره موتور ۱۰۰۴۷۰۰۸ و شماره شاسی ۱۶۵۶۷۳۸۱ به نام جلیل قدرتی شاتوری مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.
(اصفهان)

برگ سبز سواری پژو مدل ۱۳۹۱ پلاک ۸۱_۹۸۲ د۳۶ شماره موتور 124K0044964 شماره شاسی ۱۵۲۸۵۰ به نام خدارحم بهرامی باباحیدری کد ملی ۴۶۷۹۴۷۰۶۱۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی برگ سبز خودرو
برگ سبز خودرو سواری دنا مدل ۱۴۰۲ به رنگ خاکستری و به شماره موتور 153H0140419 و شماره شاسی NAAW61HU3PE70613 4 به شماره پلاک ایران ۳۶-۱۹۳م۷۵ بنام زینب تاتاری مفقود گردیده از اعتبار ساقط می‌باشد. سبزوار

سند کارخانه خودرو هیوندا اکسنت رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۷ شماره انتظامی ۶۳-۶۹۴ن۳۲ شماره موتور G4FCJU429505 شماره شاسی NAKNFH327JB105685 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌گردد. شیراز

سند کمپانی و برگ سبز خودرو سواری پژو ۴۰۶ جی ال ایکس آی مدل ۱۳۸۵ به شماره انتظامی ۷۱- ۳۸۷ س۹۹ با شماره موتور 124850121876 وشماره شاسی ۲۴۲۳۴۴۵۲ بنام آقای مجید توکلی زانیانی مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط است. (شهرکرد)

فقدان سند
برگ سبز تراکتور کشاورزی سیستم رومانی مدل ۱۳۶۳ به شماره شهربانی ایران ۱۵ - ۵۴۳ ک ۵۶ همچنین شماره موتور ۵۲۸۶۸۹ و شماره شاسی ۶۵۰۸۸۳۸۸ بنام غلامعلی مرادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی برگ سبز خودرو
برگ سبز خودرو وانت سیستم مزدا مدل ۱۳۹۵ به رنگ نقره ای - آبی- متالیک و به شماره موتور 118P0149903 و شماره شاسی NAGP2PE21GA219807 به شماره پلاک ایران ۳۶-۷۷۲م۴۴ بنام محمد حکم آبادی مفقود گردیده از اعتبار ساقط می‌باشد.
سبزوار

سند کمپانی و برگ سبز خودرو سواری پژو تیپ PARSTU5 مدل ۱۴۰۲ به رنگ سفید به شماره پلاک ۹۶۹ص۶۳ ایران ۹۱ به شماره موتور 164FB0314538 به شماره شاسی NAAN11FE3PH271909 بنام رجبعلی وفائی با شماره ملی ۱۶۳۸۲۷۸۶۶۰ با وکالت آقای صیدحسین قاسمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. کرمانشاه

سند کارخانه و سند مالکیت (برگ سبز) موتورسیکلت پیشرو مدل ۱۳۸۳ به رنگ مشکی به شماره انتظامی ۸۲۷-۴۹۹۵۸ و شماره تنه ۸۳۶۲۹۵۰۹ و شماره موتور ۳۱۷۹۸۲۵۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (ب)

سند کارخانه و سند مالکیت (برگ سبز) و کارت شناسایی موتور سیکلت سی جی ۱۲۵ به رنگ قرمز به شماره انتظامی ۶۷۱۲۸-تهران۱۹ و شماره تنه SS8212580125 وشماره موتور ZS156FMI-A*8390043 2* مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (ب)

سند کارخانه اتومبیل سواری پژو ۲۰۷ مدل ۱۴۰۰ به رنگ سفید به شماره انتظامی ۴۸-۴۴۶ص۴۶ و شماره شاسی NAAR03FE7MJ422268 8 و شماره موتور 178B006665 14 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (ب)

سند کارخانه و سند مالکیت (برگ سبز) اتومبیل سواری سیتروئن زانتیا مدل ۱۳۸۵ به رنگ سفید به شماره انتظامی ۶۳-۶۹۱س۱۹ و شماره شاسی S151228514982 4 و شماره موتور ۶۲۲۷۴۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (ب)

فقدان سند
برگ سبز کامیونت ون زامیاد مدل ۱۳۸۹ به شماره شهربانی ایران ۲۵ - ۱۱۳ م ۲۵ همچنین شماره موتور ۸۰۰۰۵۲۶۸ و شماره شاسی NAZDL104TJJ001580 بنام اصغر نیک فال ایرانق مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو وانت پیکان ۱۶۰۰ به شماره انتظامی ۴۲ط۸۹۵ ایران ۵۶ مدل ۱۳۹۰ به رنگ سفید شیری روغنی به شماره موتور 114900549 81 و به شماره شاسی ۲۵۵۶۹۰ بنام رضا سروری اسکلکی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. رودبار گیلان

سندکمپانی و برگ سبز سواری پژو ROA به رنگ نوک مدادی مدل ۱۳۸۷ به شماره موتور 116860994 54 شماره شاسی 61390094 و شماره پلاک ۴۶۲ ط ۲۳ ایران ۲۸ به نام رویا طیبی آراسته مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد./همدان

سندکمپانی کامیون باری چوبی بنز تیپ ال پی ۳۲/۶۰۸ به رنگ زیتونی مدل ۱۳۶۰ به شماره موتور ۱۰۰۶۳۹۴۲ شماره شاسی ۱